

## ۱ - توصیف (Description)

توصیف یا (Description) عبارت از فهم و ادراک اولیه موضوع یا پدیده‌ای است که بر اساس آثار و خواص نمودار شده یا پدیدار شده آن موضوع می‌باشد. و به عبارت دیگر، محقق بر اساس تجارب قبلی و ذهنی خود و به اصطلاح با عینک جهان بینی خاص خود در رویایی اولیه با موضوع یا پدیده‌ای مابین مشخصات اعراض و آثاری که از آن موضوع مشاهده می‌کند ارتباطاتی برقرار می‌کند تا آن شی یا موضوع را به صورت یک کل درک کرده و برای انتقال این درک کلی خود از موضوع آن را بر مبنای برداشت ذهنی خود و بر مبنای تئوری‌های غیر رسمی یا تئوری‌های کاری خود (Working theory) وصف می‌نماید. البته ارتباطات، آثار و خواص توصیف شده ذهنی بوده و بسته به وسعت و قدرت ذهنیت محقق یا پژوهشگر به واقعیت نزدیک یا از واقعیت دور می‌شوند و تنها با بعضی از روشهای تحقیق می‌توان توصیفها را به واقعیات نزدیکتر ساخت.

## ۲ - توضیح (Explanation)

توضیح (Explanation) یک مرحله بالاتر از فهم و ادراک موضوع یا پدیده است که در آن محقق برداشتهای اولیه خود را با پردازش و پالایش فکری به وسیله روشهای علمی (مثلاً تجرید و تعمیم Abstraction & Generalization) رابطه‌ای را که بین خواص و ویژگیهای عناصر یک موضوع یا پدیده برقرار می‌کند یک رابطه علی = یعنی علت و معلولی است و هم علتها و هم معلولهای این رابطه طوری پالایش و پردازش ذهنی شده‌اند که قابل آزمون، آزمایش و در نهایت قابل اندازه‌گیری هستند. به عبارت دیگر پژوهشگر رابطه بین خواص و آثار ادراک شده از موضوع یا پدیده را به صورت متغیرهای قابل اندازه‌گیری و مرتبط به هم با رابطه علت و معلولی در می‌آورد که از نظر علمی

# تأملی بر واژه‌های تخصصی (۱)

دکتر حسن میرزایی اهرنجانی

## یادداشت سردبیر

مدیران و کارشناسان برای ایجاد ارتباط میان مفاهیم، نظریه‌ها و چگونگی کاربرد آنها و همچنین برای اینکه بتوانند ارتباطات مؤثری را برقرار سازند نیازمند به استفاده از واژه‌های گوناگون تخصصی هستند. درک درست واژه‌ها در انتقال معنی و مفهوم نقش اساسی دارد.

از این رو فصلنامه دانش مدیریت در راستای اهداف علمی و پژوهشی خود از این شماره سرفصل جدیدی را برای بررسی واژه‌های تخصصی مدیریت اختصاص داده است. امید است که در این راه از یاری هر چه بیشتر صاحب نظران بهره‌مند گردیم.



درجه اطمینان (Validity) و درجه اعتبار (Reliability) آن بالاتر از توصیف است.

### ۳- روشن کردن - تبیین (Verification)

روشن کردن به مفهوم تبیین (Verification) بالاترین مرحله و ادراک موضوع یا پدیده مورد پژوهش توسط محقق می‌باشد که با روشهای معتبر علمی و پژوهشی محقق توانسته باشد تمام ویژگیها و آثار عناصر تشکیل دهنده موضوع یا مسأله را تا آنجاییکه در دایره امکانات و ادراکات او قرار می‌گرفته به روابط کاملاً جزئی، مشخص و قابل اندازه‌گیری به اعداد و ارقام تبدیل و روشن کرده باشد. تبیین مسایل و موضوعها چون با پشتوانه عظیمی از اعداد و ارقام مشاهداتی و آزمایشی و تجربی همراه است معتبرترین نوع بیان پدیده‌ها و موضوعهاست و از نظر پژوهش خواص آثار و عرض‌های پدیده در روابط کاملاً منظم و سنجیده و روشن به گونه‌ای بیان شده که نه تنها با واقعی‌ترین حالت موضوع یا پدیده منطبق است بلکه باورآفرین نیز می‌باشد. البته بدیهی است که هر سه روش بیان مسأله بطور توصیفی، توضیحی و تبیینی تنها و تنها در نمود آثار و عرض‌های پدیده گفتگو دارند و می‌توانند واقعیت (Reality) یک موضوع را اثبات یا رد نمایند ولی اینکه تا چه حد قادرند که به حقیقت (Truth) مسائل نزدیکتر شوند و یا واقعیت امری را با حقیقت آن تطابق دهند مسأله دیگری است.

### ۴- تقلیل، تحویل - تنزیل (Reduction)

تقلیل، تحویل یا تنزیل که در روشهای منطقی پژوهش به (Reduction) معروف است و به علت کارآیی مفیدی که در حل مسائل و مشکلات کلی دارد توجه عده زیادی از روش‌شناسان (Methodologists) و معرفت‌شناسان (Epistemologists)، را

بخود جلب نموده طوری که مکتبی تحت عنوان (Reductionism) «تحویل‌گرایی» یا «تنزیل‌گرایی» را بوجود آورده است. بر اساس فلسفه این مکتب بهترین راه مطالعه پدیده‌های پیچیده مانند پدیده‌های اجتماعی و سازمانی کاهش و تحویل آنها به ساده‌ترین سطح تجزیه و تحلیل می‌باشد. مثلاً جوامع از سازمانها، سازمانها از گروه‌ها و گروه‌ها از افراد انسانی تشکیل یافته‌اند. بنابراین جوامع، سازمانها و گروه‌ها را می‌توان به بهترین وجه با تجزیه دقیق آنها به افراد انسانی تشکیل دهنده آنها و مطالعه شخصیت آن افراد، مورد مطالعه و پژوهش قرار داد. در مورد فرضیه‌ها نیز می‌توان از شکم فرضیه کلی که با گزاره‌های کلی بیان شده‌اند فرضیه‌های محدودتر و خاص‌تری را که با روابط مشخصتری که قابل بیان به وسیله متغیرهای مستقل (Independent Variables) و متغیرهای وابسته (Dependent Variables) باشند بیرون کشید.

### ۵- اصول بنیادین (Apriori)

اصول بنیادین یا اولیه که در فلسفه علم به صورت فرض پیشین یا (Apriori) به صورت مقدمات قبلی پذیرفته شده و نیازی به اثبات ندارند و سایر اصول علمی نیز از آنها استنتاج می‌شوند سه دسته‌اند که عبارتند از: بدیهیات، اصول متعارف و اصول موضوعه. اصول متعارف عبارت از اصول اولیه پذیرفته شده در تمام رشته‌های علمی است و در تمام رشته‌های گوناگون علمی مشترک و بر موضوعات مورد مطالعه آنها جاری و صادق می‌باشند. مانند اصل تغییر و علیت، اصول موضوعه اصولی هستند که در یک اجتماع معین علمی مورد پذیرش قرار گرفته و بر مبنای اشتغال سایر اوصال آن رشته می‌گردد. مانند اصل کارآیی در مدیریت.